

■ «هروی کثیف» در شهرداری

وصلت سینما و سیاست در آمریکا، میوهٔ تارهای بهار آورده است: کلینت ایستوود

شهردار شهر ساحلی کارمند، در ایالت
کالیفرنیا، شد! البته در روزگاری که یک بازیگر
فیلمهای وسترن می‌تواند به بالاترین نقطه*

هرم قدرت سیاسی صعود کند و صدای شبیهه اسب او در کاخ سفید طنین انداز شود، شهیدار شدن گلستان استعداد حمایت می‌نماید.

ما یه شگفتیست، قرار گرفتن او در جایگاهیست که در مجموعه فیلمهاش بخصوص سری

فیلمهای کارآه هری کلاهان، گاه و بیگانه به آن پیغام پیغام پیغام است. کلینت ایستود در هری کیف (در ایران: "شکار در شهر")

نشان می دهد که تنها با بیرحمی، خودسری و سریچی از قانون و مافوق می توان زنان و کودکان را نجات داد.

و در قدرت مکنوم و مرگساز هرچه که واژه‌های
دموکراسی و قانون را می‌شنید دست به هفت تیر

می برد. ایستاده در دو فیلم "شکار در شهر" و "مرگساز مستقیعاً" با شهردارها سروکار دارد و با آنها در کشمکش است. شهردار "شکار" دو

شهر" می‌کوشد با حبشه‌گری او را نردبان ترقی خود فرار دهد، و شهردار "مرگساز" بهدلیل از این اتفاق کشته شد.

محالفت با خط مسی بیز حمامه، هری تلاهان،
سرانجام کیفر آرمانگارایی خود را می بیند
— قدرت‌های قانونی، همیشه مراحم هری‌اند و

هیچ گاه حقانیت اعمال او را نمی بذیرند. با این سابقه، علوم تبیث کلیت ایستاده در شست می باست شب دار، حظیر و تواند جان

برای پنهان کردن مکنوم چهل و چهارش بیدا کند.

روزنامه‌ها می‌نویند یک گرفتاری شغلی،
ایستوود را به فکر شهردار شدن انداخت.
بازیگر معروف می‌خواست در کار رستورانی، که

به اول تعلق دارد، ساختمان تازه‌ای بنا کند. اما خانم "شارلوت تونسد"، شهردار ۱۶ ساله که ^۲ لقاء‌ها، هنرها، موزه‌ها، کارگاه‌ها زیست داشت.

دادن مجوز عمران به کلینت ایستود خودداری می‌کند. ایستود هم به سیک قهرمانهای آثار

فرانک کاپرا، از راه دیگری وارد می‌شود و تصمیم می‌گیرد شہردار را، با نشستن به جای او، از صحنہ خارج کند۔ خبر آمادگ، استهود

۵۵ ساله برای شرکت در انتخابات شهرداری،
ظرف چند روز در سراسر آمریکا پیجید و سیل
شکاند.

میرسران هنرمندانی و سویزیوی بمسوی شهرک توریستی کارمل جاری شد (این سیل، قبل از هرچیز، رقیان ایستاده را به کام خود

کشید و خفه کرد). از آنجا که جذابیت سینمایی، کامیابی سیاسی را تضمین می‌کند، استودن نیز از حیث قد و قواه و قلد، منش

چیزی از ریگان کم ندارد و این خصیصه با معیارهای آمریکایی‌ها درمورد رهبرانشان وفق

۱۸ / فیلم / شماره س. و هفت
می دهد . ویژگیهای جسمانی ایستادوود - صد و
نود سانتیمتر قد، به علاوه چشمان آبی نیمه باز

• १०८ •

طمهن، نگاه اندیشتانک و چهره؛ کشیده؛ پرچین
هه شادمانی، اش را بالخند نیمخورد؛ مشکوک

«اشتباہیاں»، سئو الی جواب ■

خود در حد یک دموکراسی نئونه بود از جنگ
می‌گریستند، نگران و وحشتزده گرد. در
نتیجه، همان گونه که هاوس بخوبی شناس
من دهد، «حاکم» رفیان این گروه تزویر
به صورت یک نیاش اخلاقی درآمد که خشنهای
«خوب» و «لای» می‌باشد در آن مشخصی
می‌شند. فیلم، مانند خود محاکمه‌گاه، لحظه‌های
خشنوترا کم ندارد و اگر و بیگان اختی سر
و ظالمسی پیدا می‌کند. تماشگرانی که اجاوه
روزه و بدایاکه را پیدا کردند عالم شد اکبری
از هوازدان اینجاچ ایشی اند و برای
اخلاقل در حریان محاکمه‌آمده بودند. بادر،
مایپوو، گوردون اسلین و یان کارل راهیه
— که بدایل نور تند چراچانهای روکست اجازه
پادشاهی از پینک دودی استفاده کند و بهمن
سبب ظاهر شریک‌های ایشان پیدا کردند —
بودند که با شاهدان جزو و بخت کنید. آنها
اون فیلم، صفت ایشان را تهدید کردند —
آنها

فایلی تبرویه شده‌اند بورد لطف فرار می‌دهند. در این پرونده، مرد خیال‌مایی که می‌تواند را نمی‌کند از میان یک کنگ تولد عظیم سریون می‌برد و رئیس همچوی عصیان خوبی می‌زند. در یکی دیگر از فیلمها، مسمنهای خودج و دارد که «ظاهر» از دست فضولمندان خواهادگیری در رفته است. در این صحنه عکاسان کاخ، مارکوس را دوره کردند که از این حکم‌سایی گیریدن نشان دهد. رئیس جمهور در سلامت جسمانی کامل مسر بر می‌برد. مارکوس بیمار است. او را با زنی ماریز گردانید که این تدبیر توبیخ و نظاره به ورزش و سخت مواجه کند. مارکوس در حالی که بعزمت کلاهی را حاجب می‌کند به عکاسی‌ها می‌گوید: «کاری کنید که همه چیز طبیعتی بگذرد». خود خانواده مارکوس نیز در میان اشوه

بی درباره» انساف حکومت در این روابطه؛ ترویسم و اختناق دولتی هنوز باری از دشمنی‌ها و خود دارد. این گذشتگان را یاری‌پذیرهای هاوف را باشخاند «استاتیهایم» کرد: «حکومت هنوز با خودش رواست». ادگاه استاتیهایم توانتس بیدیرد که «سایسی سرسکار دارد، و می‌باشد» و باشندگان قبول کند که «وقایتی حاصله را دیگر نمایند گرفت. یکی از بزرگترین دشمنان این است که بگویند می‌توانیم باید و می‌شکستم که اوضاع سخت و بیجهده. هنگامی که اوضاع سخت و بیجهده، باید جسمانی را بیشتر باز کمیم. مادر استاتیهایم از این شدن تشد. و ان طرور که از واکنش جسمانی مغلطف. بر فیلم «استاتیهایم» برمی‌آید، حستجو

نوازهای مارکوس ■

خصوصی " را نگاه می کردند و بیشتر از همه از لذکر بازی و سخنرانی پسرخان یونک یونک خوش می خوردند. پس این خوشبختانه بود که می خواستند این روز را در کاخ دوربیان مارکوین، دستانزور و موزول فلیپین بپیدا شده و خوراک لذتی را برای اسپرایر از شیوه های طوریون چون فراهم آورده، اینها می خواستند رساند. در آخر فقرم، دوربین به سلولهای سرمه و دادگاه خالی خبره گذشتند. ماوران حکومت جدید فلیپین هنگام صحبت در کاخ "الاکاتاکس"، دادگاه توار ویدو پیدا کردند که انتسابیهای پرورشی و با خانواده مارکوس را در میانه یکی از سخت ترین بحوارهای اقتصادی فلیپین نشان می دهند. در یکی از نواحهای این سرمه، ایله مارکوس، که "ظاهر" مارکوس آنها را با خود برد است، "اووسیابی کادار"، یکی از سخنگویان کورازان آنکه، گویید که این تابلوهای به لطف فلیپین عقل دارد و اندامات را نیز از زیر زمین بآزادگاند آنها عمل آنده است. یعنی ترتیب، ویدو کاستها باعث شده اند که مارکوس نمتنها شمه "آور" بلکه تابلوهای عزیز خود را نیز از دست بدند.

در عصر ما، یکی از اولین جیهزایی که دیکتاتوری را سرنگون می کند، باید موقع فرار با خود بدارد، توراهای ویدو کاست است! توراهایی که در کاخ دوربیان مارکوین، دستانزور اسپرایر از شیوه های طوریون چون فراهم آورده، اینها را می خواستند رساند. در آخر فقرم، دوربین به سلولهای سرمه و دادگاه خالی خبره گذشتند. ماوران حکومت جدید فلیپین هنگام صحبت در کاخ "الاکاتاکس"، دادگاه توار ویدو پیدا کردند که انتسابیهای پرورشی و با خانواده مارکوس را در میانه یکی از سخت ترین بحوارهای اقتصادی فلیپین نشان می دهند. در یکی از نواحهای این سرمه، ایله مارکوس، که "ظاهر" مارکوس آنها را با خود برد است، "اووسیابی کادار"، یکی از سخنگویان کورازان آنکه، گویید که این تابلوهای به لطف فلیپین عقل دارد و اندامات را نیز از زیر زمین بآزادگاند آنها عمل آنده است. یعنی ترتیب، ویدو کاستها باعث شده اند که مارکوس نمتنها شمه "آور" بلکه تابلوهای عزیز خود را نیز از دست بدند.

در پی عدالت نیواده اند و هر دوی آنها در برابر چشمان بهت زده "یک موقع فرار با" تأسیف انگریز گردید که می خواستند. در نیمه های حاکمه، مانیپولوشن خود را در سلوشون دارد آرچت، سه هدست او بمحض این می خواستند و یک تغیر تلقای امکان عفو آشنا را می خواستند. در این فقرم، دوربین به سلولهای سرمه و دادگاه خالی خبره گذشتند. ماوران حکومت جدید فلیپین هنگام صحبت در کاخ "الاکاتاکس"، دادگاه توار ویدو پیدا کردند که انتسابیهای پرورشی و با خانواده مارکوس را در میانه یکی از سخت ترین بحوارهای اقتصادی فلیپین نشان می دهند. در یکی از نواحهای این سرمه، ایله مارکوس، که "ظاهر" مارکوس آنها را با خود برد است، "اووسیابی کادار"، یکی از سخنگویان سیاه دنیایی پوشیده است، طالب اتفاقیونی را با احساس ختم در گوش عذان خاشی کردند. میلاری در زن باره، عرب زمزمه کرد: "یونک یونک، سرس بزرگ" اشتاینهم این است که ترویسم چیز هنوز مال ماست" و یعنی ناشناسی ای او آوار و غافل اند و مدد یونک از او دم می گیرند. در یک گشته نالر فردیماندان مارکوس نظم ایمانی را که از شیوه های سینگوکی اکتو (سهر) کورازان آنکو، ریشم چهارم

ج. نواری

